

## Analyzing and Investigating the Visionary Experience of Revelation in the Light of Tradition

Ali Ahmad Naseh <sup>a</sup>, Khadijeh Amiri <sup>b\*</sup>, Ashkan Javanmard <sup>c</sup>

<sup>a</sup> Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, University of Qom, Qom, Iran

<sup>b</sup> PhD student of Comparative Exegesis, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, University of Qom, Qom, Iran

<sup>c</sup> PhD student of Comparative Exegesis, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, University of Qom, Qom, Iran

### KEYWORDS

part, prophecy,  
visionary revelation

Received: 23 September 2023;  
Accepted: 07 November 2023

Article type: Research Paper  
DOI: 10.22034/thr.2023.708881

### ABSTRACT

This paper has been inspired by description and explanation of a group of hadiths that consider true dreams as one of the components of prophecy and the dreams of prophets as revelations as well as a group of traditions which indicate that the Prophet of Islam received the first revelations in truthful dreams. So the authors were prompted to investigate the content of traditions that consider true dreams as one of the components of prophecy with a descriptive-analytical method. In the paper, an attempt has been made to explain the relationship between these narrations and dream interpretation, as well as to answer the question of whether the true dream of the prophets is a part of epistle revelation. The findings indicate that the nature of revelation and true dreams are similar in some dimensions and different in other dimensions; this will not cause dreaming as a revelation because the clear narrations indicate that the prophet received the revelation in the dream and not by a messenger. Other narrations have considered true dreams as a preparation for prophecy and considered them to be a part of prophecy, not that the revelation was revealed in the truthful dream. The true vision of the prophets has different levels. In any case, the nature of revelation and the true vision of the prophets would not be the same if the divine revelation were revealed in the dream.

\* Corresponding author.

E-mail address: kh.amiri65@gmail.com

©Author



## تحلیل و بررسی روایا انگاری وحی در سایه روایات

علی احمد ناصح الف، خدیجه امیری ب\*، اشکان جوانمرد ج

الف استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران، aliahmadnaseh@yahoo.com  
ب دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران، kh.amiri65@gmail.com  
ج دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران، Ashkan.javanmard@chmail.ir

| چکیده  | واژگان کلیدی   |
|--|--|
| بررسی روایاتی که روایای صادقه را جزئی از اجزای نبوت و روایای انبیا را نیز وحی به شمار آورده‌اند و همچنین روایات متضمن شروع وحی بر پیامبر (ص) با روایای صادقه، نگارنده را بر آن داشت که با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی عمیق‌تر مدالیل این روایات و نظرات صاحب‌نظران در این باب بپردازد. مساله اصلی این پژوهش، تبیین رابطه‌ی میان مدالیل روایات مذکور با روایای انگاری وحی و همچنین پاسخ به این سوال است که آیا روایای صادقه‌ی انبیا جزئی از وحی رسالی محسوب می‌شود یا نه؟ نتایج پژوهش از این قرار است: ماهیت وحی و روایای صادقه از ابعادی به هم شباهت دارند و از ابعادی دیگر نیز متمایزند، اما این مساله هیچ گونه دلالتی بر روایا انگاری وحی ندارد چرا که صریح روایات دال بر این است که نبی وحی را در روایا دریافت می‌کند نه رسول! همچنین این که برخی روایات، روایای صادقه را از تمهیدات نبوت و یا جزئی از نبوت دانسته‌اند هرگز بدین معنا نیست که وحی تشریحی و یا رسالی در قالب روایای صادقه نازل شده است! | روایا، جزء، نبوت، روایا انگاری وحی<br>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱<br>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۶<br>مقاله علمی پژوهشی |

### ۱. مقدمه

فهم ماهیت وحی، یکی از بنیادی‌ترین ارکان در شناخت قرآن کریم و فهم معانی آیات آن است. از آغاز نزول قرآن، دیدگاه‌های متعددی پیرامون ماهیت و نحوه برقراری ارتباط مرموز وحی مطرح شده است؛ اما هنوز هم اظهار نظر قاطع و بدون ابهامی در این باب از سوی صاحب‌نظران نشده است. بحث از ماهیت روایا نیز دیر زمانی است که به موازات مساله وحی مورد توجه فلاسفه مسلمان قرار گرفته است و تا آنجا پیش رفته که برخی محققان معاصر با تمسک به روایاتی که روایای انبیا را وحی شمرده‌اند و یا روایای صادقه را جزئی از نبوت قلمداد نموده‌اند این دو پدیده را از مقوله‌ای واحد دانسته‌اند و از مقوله روایاشناسی در باب وحی‌شناسی مدد گرفته‌اند!

همان طور که اشاره شد، برخی روایات جایگاه بلندی را برای روایاهای صادقه در نظر گرفته‌اند و روایای صادقه را جزئی-یک چهلم یا یک هفتادم- از لوازم نبوت بشمار آورده‌اند! تقریباً همه دسته روایات مذکور هم محتوا بوده و تناقضی در این جهت بین آنها دیده نمی‌شود!

هر چند توجه به مضامین بلند این گروه از روایات می‌تواند انگیزه فراوانی را جهت توجه به مقوله روایاشناسی در میان

پژوهشگران دینی ایجاد نماید و یادآور شود که وحی و روایای صادقه از جهات ماهیتی اشتراکات فراوانی با هم دارند و شناخت رویا که برای نوع انسانها تجربه‌پذیر است می‌تواند مقدمه شناخت هرچه بیشتر وحی باشد؛ اما در عین حال بایستی توجه داشت که اساساً ساحت‌های این دو مقوله تفاوت‌های فاحشی نیز با یکدیگر دارد! و هیچ‌گاه روایات نامبرده دلیلی بر رویای انگاری وحی چنانچه برخی محققان تصور نموده‌اند، نمی‌باشد. در یک کلام همچنان که علامه طباطبایی ماهیت وحی را از سنخ شعور مرموز بشر می‌داند، ماهیت رویا نیز به همان اندازه پیچیده و مرموز است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ۱۵۷/۲).

با این مقدمات، سوال اصلی این پژوهش این است که آیا روایای صادقه انبیا جزئی از مراتب وحی ایشان به شمار می‌رود یا نه؟ و اساساً چه ارتباط معناداری میان رویا انگاری وحی و روایای صادقه با مذکور روایات می‌توان برقرار نمود؟ روش تحقیق این پژوهش نیز، روش توصیفی-تحلیلی بوده و پژوهشگر ضمن پرداختن به مفهوم شناسی روایای صادقه و تلاش برای کشف مراد روایات از این حقیقت که روایای صادقه جزئی از لوازم نبوت است در جهت پاسخ‌دهی به سوالات پژوهش گام بر می‌دارد.

## ۲. پیشینه تحقیق

پژوهش حاضر دارای پیشینه قابل توجهی می‌باشد، بحث از روایای صادقه در منابع دست اول اهل سنت و کتب اربعه امامیه در قالب باب‌های جداگانه‌ای مطرح شده است. شارحانی همچون ملاصدرا و ملاصالح مازندرانی در شروح خویش بر کتبی همچون اصول کافی از روایای صادقه و ماهیت آن سخنان قابل تاملی به میان آورده‌اند (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ۱/ ۳۲۵-۳۲۷ و مازندرانی، ۱۴۲۹، ۱۱ / ۴۴۶۹). در عین حال اثری مستقلی -اعم از کتاب یا مقاله- که به بررسی محتوای روایات مذکور و کشف نسبت روایای صادقه با رویا انگاری وحی بپردازد به رشته تحریر نیامده است. با این حال در موضوعاتی همچون معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی رویا، تلقی رویا گونه از وحی آثار متعددی در قالب مقالات و پایان‌نامه نگاشته شده است.

دو اثر پژوهشی از همین نگارنده و همکاران در زمینه نسبت میان وحی و رویا نگاشته شده است: مقاله اول با عنوان «نسبت وحی و رویا در آیات و روایات» (نشریه اندیشه نوین دینی، زمستان ۱۳۹۹، شماره ۶۹). به بررسی تشابهات و تمایزات میان وحی و رویا پرداخته است و نتایج آن از این قرار است: با بررسی آیات و روایات موجود بنظر می‌رسد که میان روایای صادقه- خواه روایای انبیا و یا روایای انسانهای معمولی و وحی ارتباط وثیقی وجود دارد. همچنین این که وحی انبیا گاهی از طریق رویا اتفاق افتاده امری مسلم در متون دینی است. همچنان که رویاهای صادقه نیز بهره‌هایی از نبوت دارند. پس این که گفته شود این دو مقوله هیچ ارتباطی با هم ندارند و دارای دو ماهیت کاملاً متمایز از یکدیگرند، با قرائنی که در این متن این مقاله ارائه می‌شود، پایه درستی ندارد! لذا در کل می‌توان ادعا نمود که از طریق شناخت رویا می‌توان تا اندازه‌ای به شناخت ماهیت وحی نزدیک شد.

مقاله دوم با عنوان «نسبت وحی رسالی و روایای صادقه غیر وحیانی در اندیشه فارابی» (نشریه حکمت معاصر، بهار ۱۴۰۱، سال ۱۳، شماره ۱). نیز تمایزات و تشابهات میان وحی رسالی و روایای صادقه غیر وحیانی در اندیشه فارابی را مد نظر خویش قرار داده است و نتایج آن از این قرار است: وحی رسالی و روایای صادقه در عرض یکدیگر قرار

نمی‌گیرند؛ بلکه وحی رسالی با رویای صادق غیرو حیانی در عرض همدیگر هستند، زیرا برخی از وحی‌های رسالی غیر و حیانی در عالم رویا رخ داده است.

### ۳. مفهوم شناسی

پیش از ورود به مباحث اصلی پژوهش، به مفهوم‌شناسی اصطلاحات «رویا»، «رویای صادق» و «جزء» انواع وحی پرداخته می‌شود:

#### ۳.۱. رویا

واژه‌شناسان واژه «رویا» را واژه‌ای عربی و به معنای چیزهایی دانسته‌اند انسان که در هنگام خواب می‌بیند (راغب، ۱۴۱۲ق، ۲۰۹)

از نظر برخی نیز منظور از رویا، خواب و آنچه واقعیت ندارد و تنها در عالم خیال واقع می‌شود است؛ به ویژه آرزوها و خواسته‌هایی که تحقق آنها در بیداری برای انسان بعید یا غیرممکن است (انوری، ۱۳۸۲، ص ۱۲۶۹).  
ابن سینا در توضیح «رویا» می‌نویسد:

نفس آدمی اگر در حالت خواب یا بیداری به عالم ملکوت متصل شود و چیزی را درک کند و بتواند قوه متخیله را ساکن یا سرکوب سازد توانایی آن را خواهد داشت که مدرک خویش به طور کامل را ثابت نگاه دارد و صورت مذکور را آن طور که هست و موجود می‌باشد در حافظه خویش حفظ کند این همان معنای رویا می‌باشد (ابن سینا، ۱۳۶۳، ۳۲۵).  
علامه طباطبایی «رویا» را رابطه‌ای می‌داند که میان بیننده خواب و عالم دیگر برقرار می‌شود و لحظاتی که این رابطه برقرار می‌شود هیچ کس دیگری از آن مطلع نمی‌گردد. البته با قرائن دیگر در کلمات ایشان ظاهراً منظور ایشان در این تعریف باید در باب رویاهای خاصی بوده باشد؛ نه همه رویاها! زیرا بعضی از رویاها منشا جسمانی و روانی دارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۱/۱۰۴).

نظر تهانوی نیز در این باب از این قرار است:

قوه متفکره در حالت خواب و بیداری مشغول امور خویش بوده و در معانی تصرف و ترکیب می‌کند این اشتغال در حالت خواب بیشتر است و هنگامی که نفس در حالت خواب است از اشتغال به امور مادی فارغ شده و می‌تواند به عالم مجردات اتصال معنوی یابد و صور برخی از کائنات را که در آنها نقش بسته است بپذیرد؛ این صور از نفس ناطقه در حس مشترک نقش می‌بندد و قوه متصرف از حس مشترک گرفته و ترکیب و تفصیل می‌کند که در این حالت رویا واقع می‌شود (تهانوی، ۱۹۹۶م، ۱/۸۹۲).

فیض کاشانی نیز در این باب معتقد است که:

انبیا از طریق رویا می‌توانند اتصالی کامل با عالم مجردات بگیرند؛ اما سایر انسان‌ها قادرند بسیاری از حوادثی که به آینده مربوط است به صورت اشباحی در عالم خواب ببینند که در عالم خارج قادر به تماشای آن نیستند! در این حالت عقول و ملانکه‌ای که خارج از نفس ما هستند بر حسب نیاز بواسطه علوم غیبی با آنها مرتبط می‌شوند. این حاکی از آن است که رویا دلیلی قوی بر وجود عالم مجردات، نفوس عالیه و عقول قاهره است. در رویا اسرار عجیب و احکام خاصی نهفته است که آگاهی و اطلاع ما طبق آیه «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسرا/۸۵) درباره آن اندک است رویا امری روحی است و اثبات نفوس و عقول به واسطه رویا غیر از اثبات افلاک نه‌گانه بطلمیوسی است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق،

**نتیجه بحث:** رویا امری روحانی است و منشا روحانی داشته و نفس آدمی به حسب مراتب وجودی خویش می‌تواند به عالم عقول متصل شود و براساس نیاز خویش از آن بهره گیرد. اتصال به عوالم غیبی تنها مربوط به عالم خواب نیست؛ بلکه در حالت یقظه و بیداری نیز این ارتباط صورت می‌گیرد. در رویا نفس به عقول کامل‌تری متصل می‌شود و از حوادث حال و آینده مطلع می‌شود. بالاترین مرتبه رویای صادق در کاملترین حالت متعلق به انبیا است!

### ۲.۳. رویای صادق

رویا در متون دینی و در کتب فلاسفه و عرفای اسلامی انواعی دارد که یک نوع از آن انواع، «روای صادق» است. تعبیر «روای صادق» هم در روایات و در کتاب‌های فلسفی و عرفانی آمده است. احتمالاً این اصطلاح از داستانهای قرآن درباره رویای حضرت ابراهیم (ع) و پیامبر اکرم (ص)؛ همچون آیه قرآنی «قد صدقت الرویا» (الصافات/۱۰۵) گرفته شده است؛

ابن‌سینا در کتاب «شفا»، اصطلاح رویای صادق و کاذب را به کار برده است. اما در کتاب «اشارات» تعبیر مذکور را بکار نمی‌برد و در تبیین علت این قبیل رویاها، دستیابی انسان به عالم غیب را مطرح می‌کند (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ۲۳۵ و ۳۴۷، ۱۳۸۱).

سجادی رویاهای صادق را رویاهایی می‌داند که درست و مطابق با واقع باشد. تعریف وی شامل دو نوع رویا می‌شود:

۱. رویاهای مطابق با واقع که برای کشف آنها نیاز به تعبیر و تاویل نیست.

۲. رویاهایی که مطابق با واقع است؛ خواه نیاز به تعبیر داشته باشد خواه نه! (سجادی، ۱۳۷۰، ۴۳۳).

ملاصدرا نیز «روای صادق» را بخشی از نبوت می‌داند چون آنچه فرد خوابیده به معنای واقعی می‌بیند در حقیقت از عالم غیب بر وی متجلی می‌شود و عالم غیب و ملکوت از عوالم نبوت بوده و نبی کسی است که تمام ملک و ملکوت و حقایق در آن بر وی متجلی می‌شود و حقایق اشیا در عالم خواب در لباس مثال بر وی آشکار شده و در نهایت با لباس تصاویر متناسب جلوه می‌کند (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ۱ / ۳۲۵-۳۲۷).

فارابی منشا «روای صادق» را «عقل فعال» می‌داند که معقولات کلی را متناسب با قوه عاقله به عقل مستفاد و سپس امور جزئی را به قوه متخیله افاضه می‌کند. مشاهدات انبیا از صور غیبی و دیدن فرشته وحی در بیداری، بر این مبنا قابل تبیین است. مرتبه عالی آن «روای صادق» است که متخیله کاملاً مناسب با نسخه اصلی، صور را محاکات می‌کند. هر قدر که دخالت قوه متخیله در رویا بیشتر باشد صور ساخته شده از نسخه اصلی دورتر می‌شوند (فارابی، ۱۹۸۶م، ص ۲۴۲-۲۴۴ و ۲۲۵).

### ۲.۳.۱. انواع رویای صادق

روای صادق که در آن روح انسان به عالم مثال و جواهر روحانی متصل می‌شود؛ خود به چند قسم قابل تقسیم است:

۱. قسمی که در آن، حقیقتی از عالم قدس بر روح منکشف می‌شود و قوه خیال در آن تصرف کرده و صورت اصلی

آن در نفس ناطقه حفظ شود. این نوع رویا به منزله وحی و الهام است و به تعبیر نیازمند نیست و ابتدای نبوت بسیاری از انبیا این گونه در عالم رویا واقع می‌شود؛ مانند رویای حضرت ابراهیم(ع): «يَا بَنِيَّ إِنِّي آزَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى» (صافات/۱۰۲).

۲. قسمی که در آن، حقیقتی از عالم غیب بر روح کشف می‌شود و بر حوادث آینده مطلع می‌گردد، اما معانی را بصورت مثال و در لباس تشبیه می‌بیند. این نوع خواب، محتاج به تاویل است و مُعْبِرِی دانا باید «مُشَبَّه» را از «مُشَبَّه» جدا سازد و حقیقت معنا را کشف نماید. مانند رویای حضرت یوسف(ع)!

۳. قسمی که در آن، روح به عالم غیب راه یافته و خبری از آن جهان را درک نماید؛ اما قوه خیال در آن تصرفات و محاکات و تمثالات بسیار انجام دهد که تنها معبری صاحب هوش قوی و حدس صائب و فکر وسیع و صفای باطن می‌تواند اصل آن حقیقت غیبی را کشف کند و تعبیرش کند. این خواب‌ها نیز دراصل اتصال روح به عالم بالا بوده و از عالم خیال در آن تصرف شده باید تعبیر شود. خواب دو رفیق زندانی حضرت یوسف و پادشاه مصر در قرآن کریم از همین سنخ است.

۴. قسمی که در آن، حقیقتی از جهان غیب بر وی کشف شود؛ اما چون نفس صفای جوهری ندارد، نقش آن اثر را نپذیرفته و در اثر تصرفات زیاد قوه متخیله از اصل حقیقت خود دور می‌شود تا حدی که حتی قابل تعبیر نیست. و این همان «اضغاث الاحلام» است! (الهی قمش‌های، ۱۳۶۳، ص ۱۶۸).

همه این اقسام چهارگانه رویای صادقه که که بیان شد همگی مراتب یک حقیقتند و این حقیقت واحد مطابق شؤون و اطوار و احوال و افعال شخص رویا بیننده به اقسام گوناگون موسوم شده است و هر شان او نیز بطریق مشابه به اسمی مستقل مسمی گردیده است.

### ۳.۳. تعریف لغوی و اصطلاحی «جزء»

جزء در لغت به معنای نصیب و بهره است و در اصطلاح نیز به معنای چیزی است که تمام یک شی با آن سنجیده می‌شود(راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۵).  
بررسی دیدگاه محققان پیرامون مفهوم «جزء» در احادیث نامبردار:

دیدگاه اول، بیان می‌دارد که چون مدت نزول وحی بر پیامبر(ص) ۲۳ سال بوده است؛ در ۶ ماهه اول آن، پیامبر(ص) وحی را در عالم خواب دریافت می‌نموده، بنابراین این مدت جزء آن ۲۳ سال نزول و نبوت وی محسوب می‌شود(مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲۵/۲۰۵).

دیدگاه دوم بر این اساس است که اگر مقصود از جزء در این احادیث صرف عدد بوده باشد بایستی برای تایید آن دلیلی نقلی یا عقلی داشته باشیم که چنین چیزی در عمل در دسترس نیست و همین مطلب بیانگر آن است که این دیدگاه بیشتر بر اساس حدس و گمان استوار است و فایده عملی بر آن مترتب نمی‌باشد. همچنین اگر تقسیم بندی مذکور صحیح بوده باشد بایستی پیامبر(ص) در تمامی اوقات عمر شریفش، در حالت خواب و بیداری وحی الهی را دریافت کرده باشد و جز همین مدت به حساب آید در حالی که همانگونه که ذکر شد دلیلی در این باره در عقل و نقل نیامده است و اگر به اصل موضوع نیز توجه نماییم این تقسیم‌بندی باطل می‌شود و این حساب از اصل خویش ساقط!(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۸/۱۸۱).

دیدگاه سوم در این باب براین باور است که مراد از جزء در روایات، رویاهایی است که مانند وحی قابل احتجاج بوده باشند. همه افراد بشر این نوع وحی را در زمان ظهور حضرت حجت (عج) تجربه می‌کنند و از برخی از حوادث قبل از ظهور با خبر می‌شوند. البته دلیلی نداریم که آن را به مومن مطلق یا به دوران غیبت حضرت تخصیص بزنیم چون در آن صورت این امر در هر برهه‌ای از زمان واقع می‌شود (قاریاغدی، ۱۳۸۷، ۹۳/۲)

دیدگاه چهارم برای مفهوم جزء دو نظر مستقل بیان می‌کند:

اول- مراد از جزء، دیدن حقیقت است نه استنباط و اجتهاد ظنی و رویای صادقه به این معنا برای افراد در آخرالزمان جزئی از هفتاد جزء نبوت است که حقایقی را برای ایشان هویدا می‌کند.

دوم- مراد از جزء، اجزای نبوت است که هفتاد جزء دارد. این که فرموده‌اند: رویا جزئی از اجزای نبوت است؛ یعنی مانند علم نبوت قابل قبول است. و این مقصود همان حدیث پیامبر (ص) است که فرمود: «ذهب النبوة و بقیت المبشرات الرؤیا الصالحة یراها المؤمن أو یری له» (مجلسی، ۱۴۰۴، ق/ ۲۵ / ۲۰۴): یعنی پس از من نبوتی در کار نیست؛ مگر مبشرات و بشارت‌دهنده‌ها! گفته شد: ای رسول خدا! منظور از مبشرات چیست؟ ایشان فرمود: رویای صالحه».

### ۴.۳. تقسیم‌بندی انواع وحی

هر یک از مکاتب مختلف اسلامی با توجه به اصول و اندیشه‌های خود تعاریفی از انواع وحی ارائه داده‌اند و وحی را به اقسام تبیینی و تشریحی تقسیم نموده‌اند؛ در این بخش به طور گزینشی به تعریف وحی از دیدگاه برخی عالمان مسلمان پرداخته می‌شود:

#### ۴.۳.۱. وحی تشریحی

وحی تشریحی یا وحی تنزیلی، گونه‌ای از وحی مختص به پیامبران است که از سوی خداوند، گاه از طریق فرشته و گاه با گفت‌وگوی مستقیم با خدا و گاه نیز با الهام در قلب پیامبر رخ می‌دهد (شوری/ ۵۱ و شعرا/ ۱۹۳-۱۹۴). وحی تشریحی خطاناپذیر است و مضمون آن آموزه‌های دینی شامل عقاید، احکام شریعت و سایر تعالیم دینی است. علامه طباطبایی آن را نوعی شعور مرموز می‌داند که شناخت حقیقت آن برای غیرپیامبران امکان‌پذیر نیست:

وحی امری است خارق‌العاده، از قبیل ادراکات باطنیه، شعور مرموزی است که از حواس ظاهر پوشیده است! (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق/ ۱۵۷/۲، ۱۳۵۳، ه.ش. ۱۸).

رشید رضا نیز در همین باره می‌نویسد:

مفسران وحی را به اعلام حکم شرعی از جانب خداوند متعال به یکی از پیامبران تعریف کرده‌اند؛ ولی من آن را این گونه تعریف می‌نمایم: یک نوع معرفت و شناخت است که شخص در نفس خویش آن را می‌یابد و یقین دارد که با واسطه یا بدون واسطه از جانب خدا است! (رشیدرضا، ۱۴۲۶، ق/ ۲۶)

#### ۴.۳.۲. وحی تبیینی

وحی تبیینی گونه‌ای از وحی است که بر پیامبران و غیر ایشان نازل می‌شود و هدف آن، توضیح و تبیین مفاهیمی است که در قرآن آمده است. محتوای وحی تبیینی به صورت معنوی و نه لفظی و در قالب نزول دفعی به قلب پیامبر اسلام نازل شده است در حالی که وحی تشریحی به صورت نزول تدریجی و در قالب الفاظ به قلب مبارک ایشان نازل شده

است (زادهوش و همکاران، مقاله امتیاز وحی تنزیل از وحی تبیینی، ص ۱۴۰).

نتیجه گیری:

نبوت اجزای بسیاری دارد و رویا جزئی از همین اجزای بشمار است. معنای جزء در احادیث این است که اگر پیامبران خوابی ببینند آن خواب جزئی از نبوت محسوب می‌شود نه کل! در عین حال در احادیث بیان نشده است که آن درباره وحی تشریحی است یا وحی تنزیلی است. همچنین این احادیث ثابت نمی‌کنند که تمام وحی بر ایشان در خواب محقق شده است و این که برخی ادعا نموده‌اند قرآن در رویا بر نبی اکرم نازل شده است مغالطه‌ای بیش نیست!

## ۵. تحلیل محتوای روایات

همان طور که در مقدمه بیان شد یکی از اهداف پژوهش حاضر، تحلیل محتوای دسته‌ای از روایات با محتوای مشابه است که رویای انبیا را وحی یا جزئی از نبوت ایشان معرفی می‌کنند و آغاز وحی را با رویای صادقه پیامبر (ص) می‌دانند.

### دسته اول:

روایاتی که بیان می‌دارند: «إِنَّ الرُّؤْيَا الصَّادِقَةَ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوءِ». این روایات در منابع شیعه از چند طریق به دو تن از معصومین (ع) می‌رسند:

طریق اول از احمد بن محمد بزنتی است که از امام جواد (ع) از امام رضا (ع) نقل می‌کند. (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ۲۳۴/۱ و ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ق، ۲/۵۸۴)

و طریق هشام بن سالم جوالیقی و حفص بن بختری که از طریق امام صادق (ع) که از پیامبر (ص) نقل شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸/۹۰ و ۱۴۲۹ق، ۱۵/۲۲۳، ۲/۹۱).

### دسته دوم:

روایاتی که در منابع اهل سنت نقل شده است و گاهی رویای صادقه را یک چهارم و گاهی یک چهارم و ششم نبوت تلقی نموده‌اند. این روایات از طرق متعدد و با سلسله اسناد مختلف از پیامبر (ص) نقل شده است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

«حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ، حَدَّثَنَا غُنْدَرٌ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنْ فَتَّادَةَ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّامِتِ، عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: رُؤْيَا الْمُؤْمِنِ جُزْءٌ مِنْ سِتَّةٍ وَأَرْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوءِ» (حنبل، ۱۴۱۶ق، ۲۶/۱۰۳ و بخاری، ۱۴۱۰ق، ۱۰/۶۱).

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْلَمَةَ، عَنْ مَالِكٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي طَلْحَةَ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: الرُّؤْيَا الْحَسَنَةُ مِنَ الرَّجُلِ الصَّالِحِ جُزْءٌ مِنْ سِتَّةٍ وَأَرْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوءِ (بخاری، ۱۴۱۰ق، ۱۰/۳۶۰).

### دسته سوم:

روایات متضمن شروع وحی با رویای صادقه: این گروه از روایات، آغاز نزول وحی را رویای صادقه می‌دانند و در قالب ۱۲ روایت با اسناد متعدد و اختلاف اندک در متن نقل شده است.

«حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ أَدَمَ، حَدَّثَنَا ابْنُ مَبَّازٍ، عَنْ مَعْمَرٍ، وَيُونُسَ، عَنِ الرَّهْرِيِّ، عَنْ عَزْوَهِ، عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: "أَوَّلُ مَا بُدِيَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنَ الْوَحْيِ الرُّؤْيَا الصَّادِقَةَ، أَوْ قَالَ: الرُّؤْيَا الصَّالِحَةَ - شَكَ ابْنُ الْمُبَّازِ -" قَالَتْ: "وَكَانَ لَا

يَرَى رُؤْيَا إِلَّا جَاءَتْ مِثْلَ فَلَقِ الصُّبْحِ...» (بخاری، ۱۴۱۰، ۸/ ۸۴، و ۱۰/ ۳۶۰، أحمد بن حنبل، ۱۴۱۶، ۱۱۴ و مسلم، ۱۴۱۲ق، ۱/ ۱۴۳)

#### دسته چهارم:

روایتی است که روایان انبیا را وحی می‌شمارند؛ همچون روایت:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: أَخْبَرَنَا سُفْيَانُ عَنْ عَمْرِو قَالَ: أَخْبَرَنِي كُرَيْبٌ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: «بِتُّ عِنْدَ خَالَتِي مَيْمُونَةَ لَيْلَةً، فَنَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا كَانَ فِي بَعْضِ اللَّيْلِ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَتَوَضَّأَ مِنْ شَنِّ مُعَلَّقِي وَضُوءًا خَفِيفًا - يُخَفِّفُهُ عَمْرُو وَيَقْلِلُهُ جِدًّا - ثُمَّ قَامَ يُصَلِّي، فَفُئِمْتُ فَتَوَضَّأْتُ نَحْوًا مِمَّا تَوَضَّأَ، ثُمَّ جِئْتُ فَفُئِمْتُ عَنْ يَسَارِهِ، فَحَوَّلَنِي فَجَعَلَنِي عَنْ يَمِينِهِ، ثُمَّ صَلَّى مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ اضْطَجَعَ، فَنَامَ حَتَّى نَفَخَ، فَأَتَاهُ الْمُنَادِي يَأْذُنُهُ بِالصَّلَاةِ، فَقَامَ مَعَهُ إِلَى الصَّلَاةِ، فَصَلَّى وَلَمْ يَتَوَضَّأْ». قُلْنَا لِعَمْرُو: إِنَّ نَاسًا يَقُولُونَ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَنَامُ عَيْنُهُ وَلَا يَنَامُ قَلْبُهُ، قَالَ عَمْرُو: سَمِعْتُ عُبَيْدَ بْنَ عَمِيرٍ يَقُولُ: إِنَّ رُؤْيَا الْأَنْبِيَاءِ وَحْيٌ، ثُمَّ قَرَأَ «إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَدْبَحُكَ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۱/ ۶۴، بخاری، ۱۴۱۰ق، ۲/ ۱۴۹ و ترمذی، ۱۴۱۹ق، ۵/ ۴۳۹).

#### ۵. ۱. روای صادق و رابطه آن با نبوت

در بحث از روایا بایستی به بیان دلیل و نسبتی که میان نبوت و روای صادق صادق برقرار است توجه شود؛ بدین معنا که اولاً دلیل این که روای صادق جزئی از نبوت بشمار می‌رود، چیست؟ و ثانیاً دلیل این نسبت خاص، یعنی این که روای صادق یکی از هفتاد جزء نبوت است، چیست؟

در مورد اول باید گفت که روای صادق مومن صالح یکی از اجزای نبوت است. که اطلاعاتی از آینده به بیننده خواب می‌دهد و این یکی از دو معنای نبوت است. همچنان که گفته‌اند فرشته‌ای بر بیننده روای صادق موکل است و بیننده‌ی روایا هرآنچه که می‌بیند هشدار برای وی است، خواه بشارت باشد یا انداز! اگر واژه «نبی» در معنای مفعول باشد، یعنی خداوند به او تعلیم می‌دهد و خداوند از هرکسی راضی باشد در عالم خواب او را آگاه می‌کند و این معنای نبوت است! اما اگر معنای فاعلی برای «نبی» اتخاذ شود- یعنی آنچه به سوی وی القا شده است - این معنای صاحب بیننده روایا است (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ۱۱/ ۴۴۶).

نبوت هفتاد جزء است و روای یکی از آن اجزا است. روایا به لحاظ معرفتی و مراتب متفاوت‌اند و محدودیت روایا به این علت است که جزئیت-ماهیت آن جزء - مشخص نیست و از دیگر سوی روای صادق مؤمن یکی از ویژگی‌های نبوت و نسبتی با اجزای نبوت دارد!

و اگر یکی از ثمرات روای مومن مطلع شدن بر غیب است و مایه هدایت و آگاهی وی است به این علت است که روای وی نسبتی با روای پیامبر (ص) دارد و پیامبر به واسطه خداوند و با نور نبوت به آن آگاه می‌گردد. بعضی از این دلالت‌ها پنهان و بعضی آشکار است. فرق این دو وجه، اول به اعتبار دستاوردهای روایا است، دوم به دلالت و فهم آن برمی‌گردد. و روای صادق همه اجزای نبوت را در بر ندارد و ویژگی‌های نبوت منحصر در هفتاد جزء نیست (قاریاغدی، ۱۴۲۹ق، ۲/ ۹۶).

مازندرانی هم، روایا را یکی راههای متعددی می‌داند که پیامبران از آن طریق صاحب علم می‌شوند که جزئی از هفتاد

جزء نبوت است و ممکن است که رویای صادقه‌ی مومن معتدل المزاج طریقی از وحی بوده باشد همان گونه که وحی به سه طریق به بشر می‌رسد:

بدون واسطه، از پشت حجاب و به دل افکندن.

راههای دیگر وحی، شنیدن صدایی همچون صدای زنگ و یا دیدن نور است، یا القای وحی در قلب پیامبر (ص) که از آن تعبیر به «فی روعی» شده است. مجموع اینها، همان هفتاد جزء نبوت است، پس رویا یک نمونه از انواع وحی به شمار می‌رود (مازندرانی، ۱۳۸۲، ق، ۱۱ / ۴۴۶).

و مراد از رویای صالحه یا صادقه، اثری از آثار نبوت است که آن فیض الهی و الهام ربانی است. این اثر از آثار نبوت برای بشر باقی مانده است (تهانوی، ۱۹۹۶، م، ۱ / ۸۹۲).

این که پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند که «رای و رویای مؤمن» در آخر الزمان یک جزء از هفتاد جزء نبوت است؛ مراد از «دیدن» مومن، بصیرت حقیقی و ادراک واقعی او از رویایش در زمان غیبت معصوم است (مازندرانی، ۱۳۸۲، ق، ۱۱ / ۴۴۴).

در شرح و تبیین این حدیث آمده است که تکامل عقول و نیروهای درونی انسان در پیشرفت و تکامل بشری سبب رویای او است. نکته جالب این است که رای و رویا را در ردیف هم آورده است و بیان کرده است که رویا هم همان اندیشه و تعقل انسانی است که در حال سکون تن و بیکاری حواس ظاهره بدن انجام می‌شود و چیز دیگری نیست و قوت و صحت آن برابر با قوت و صحت فکر و اندیشه بیداری انسان است که او را به اتخاذ رای و نظر صحیح رهنمایی می‌نماید (کلینی، ۱۳۸۲، ۱ / ۱۷۶).

مجلسی درباره این روایت که «روایای انبیا وحی است»، می‌نویسد:

این که پیامبر (ص) فرمود: من در خواب می‌بینم نشان می‌دهد که رویای پیامبران جزء وحی است و مقصود از جزء، اجزای علم نبوت است! علم نبوت باقی است! نبوت قابل تجزیه نیست! بعد از محمد (ص) نبی نخواهد بود و مقصود از سخن پیامبر (ص) که فرمود: نبوت رفته و بشارت‌هایی از آن باقی است! همان رویای صادقه مراد است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۵۸ / ۱۷۹).

سید مرتضی نیز ذیل روایت «رؤیا الأنبياء وحی» می‌نویسد:

روایای انبیا به تنهایی موجب علم و عمل نمی‌شود؛ مگر همزمان وحی از جانب فرشته شنیده شود که امر کند فلان موضوع در خواب حجت است (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۶۹، ۱ / ۳۸).

بعضی از شارحان بخاری در این باره گفته‌اند:

رویا جزئی از اجزای نبوت است؛ یعنی در حق انبیا صادق است چرا که در عالم خواب بر آنها وحی می‌شود. رویا مطابق نبوت است نه این که جزئی از آن بوده باشد. رویای مومن جزئی از آن است و نیز گفته‌اند که اختلاف اعداد که در این روایات درباره جزء آمده است به اعتبار حالت ببینده‌ی رویا است (همان، ۱۴۰۳، ق، ۵۸ / ۱۸۰).

بنابراین طبق نظر شارحان بخاری رویای انبیا وحی است و فرقی ندارد که قبل از نبوت بوده باشد یا بعد از آن! و اگر مومن نیز رویایی ببیند جزئی از وحی و قابل استناد می‌باشد. در حدیث پیامبر (ص) است که راستگوترین شما در رویاها کسی که در سخن گفتن راستگو باشد و نیز فرمود: از مبشرات رویاهای صادقه‌ای که برای مسلمان دیده می‌شود یا خودش می‌بیند باقی مانده است. اما کافر و دروغگو اگر رویای صادقه هم ببیند جز نبوت و وحی به حساب

نمی‌آید (قاریاغدی، ۱۴۲۹ ق، ۲/۹۵).

ارزیابی:

در روایات رویا را جزئی از نبوت دانسته‌اند و این اختلاف که فرمود: هفتاد جزء، چهل و چهار جزء، شصت جزء و یا چهل و شش جزء به دلیل مراتب مختلف افراد در رویا است.

یکی از تشابهات وحی و رویای صادق اطلاع بر غیب است. اگر رویای صادق جزئی از وحی بیان شده به این دلیل است که وحی مراتب و اجزایی دارد و رویای صادق با توجه به رویابین می‌تواند در طیفی از این مراتب قرار گیرد. در واقع می‌توان به طور قطع می‌توان گفت که نسبت رویای صادق با نبوت، نسبت جزء با کل است خواه یک هفتادم، یک چهلم جزء و... می‌باشد.

بعضی نظرات بر این باورند که رویای جزئی از نبوت نیست؛ بلکه کل نبوت است در حالی که خود روایات دلالت دارند بر این که رویای صادق جزئی از نبوت است:

«إِنَّ الرُّؤْيَا الصَّادِقَةَ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوءِ»

و باید گفت که نبوت به اجزای خاصی محدود نمی‌شود و این بیان برای تقریب به ذهن می‌باشد. چون مراتب انبیا متعدد می‌باشد و از حیث دیگر رویای صادق آنها نیز همین حکم را دارد و اگر افراد دیگری رویای صادق ببینند همین حکم شامل حال آنها نیز می‌باشد و این بسته به مراتب معنوی و روحی فرد دارد.

## ۵.۲. رویا، آغاز وحی:

اولین وحی بر رسول خدا (ص) رویای صادق در خواب بود. پس پیامبر رویایی نمی‌دید مگر مانند صبح روشن برایش تعبیر می‌شد:

أَوَّلُ مَا بُدِيَءَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ مِنَ الْوَحْيِ الرُّؤْيَا الصَّادِقَةَ فِي النَّوْمِ، فَكَانَ لَا يَرَى رُؤْيَا إِلَّا جَاءَتْهُ مِثْلَ فَلَقِ الصُّبْحِ (العینی، بی تا، ۲۴/۱۳۴ و حنبل، ۱۴۱۶ ق، ۴۲/۱۱۳).

حدیث مورد نظر که از عایشه صادر شده است به اصطلاح محدثین، حدیث موقوف می‌باشد و حدیث موقوف در نزد شیعه حجیتی ندارد؛ مگر این که قرائنی بر صدور آن از معصوم دردسترس باشد! بنابراین نمی‌توان به مفاد این حدیث احتجاج کرد. از طرفی این موقوفه در صدد تبیین این است که وحی را مبدا امر دین به شمار آورد نه وحی رسالی! همچنین اضافه کردن «بدء» به وحی، اضافه بیانی است یعنی در صدد روشن کردن مطلبی است و مفهومی این است که آغاز نبوت چگونه بوده است، با توجه به این توضیح، تناسب میان نامگذاری وحی به مبدا و آغاز کتاب با رویا روشن می‌شود.

علاوه بر اینها عبارت «كَيْفَ كَانَ بَدْءُ الْوَحْيِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» دو نکته را بیان می‌کند:

اول - وجه شباهت وحی در رویا به وحی دیگر انبیا در آیاتی همچون آیه: «كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ» (نسا/۱۶۳) که وحی نبوت و رسالت، دلیل بر اتمام حجت بر مردم دارد همان طور که در پایان این آیات نیز فرمود: تا مردم بر خدا حجتی نداشته باشند!

دوم - این که فرمود «وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِلَاذُنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ

عَلَيْ حَكِيمٍ» (الشوری: ۵۱): خداوند به واسطه تکلم و ارسال رسول با انبیا سخن می‌گوید و به این صورت هیچ عذر و بهانه‌ای برای مردم باقی نخواهند بود و این آیه نیز تاییدی بر وحی در رویا است (سندی، بی تا، ۵/۱).

در تعیین مصداق دو مورد از این سه نوع تکلم الهی با بشر، مفسران سخن از رویا به میان آورده‌اند. عده‌ای وحی در عالم رویا را جزو مصداق وحی از «ورای حجاب» دانسته‌اند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۸/۳۱۷ و بروجردی، ۱۳۶۶: ۶/۲۲۸ و صادقی تهرانی، ۱۳۸۸: ۵/۳۰).

علامه طباطبایی نیز در بیان عبارت «أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» می‌نویسد: مراد وحی در عالم رویا است! «أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» وحی مع واسطه هو الحجاب غیر أن الواسطه لا یوحی کما فی القسم الثالث و إنما یتدئی الوحی مما وراءه لمكان من، و لیس وراء بمعنی خلف و إنما هو الخارج عن الشیء المحيط به، قال تعالی: «وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ» (البروج / ۲۰)، و هذا کتکلیم موسی (ع) فی الطور، قال تعالی: «فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ» (القصص / ۳۰)، و من هذا الباب ما أوحی إلی الأنبیاء فی مناماتهم (طباطبایی، ۱۳۹۰: ق. ۷۴/۱۸).

همچنین آیه «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَبْنَئِي إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْهَبُ فَأَنْظُرُ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا بَتِ أَعْمَلُ مَا تُوَمِّرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ» (الصافات / ۱۰۲)، حاکی از این است که به دیگر انبیا در رویا وحی-رسالی غیر تشریحی- شده است.

در کل انواع سخن گفتن خداوند با بشر این حقیقت را بیان می‌کند که وحی به دیگر انبیا از طریق رویا بوده و این وجه شباهت پیامبر اسلام (ص) با دیگر انبیا بوده است که اولین وحی‌ها در آغاز نبوت همواره در رویا دریافت می‌شده است. اما باید دانست که پیامبر (ص) در مرحله رسالت، وحی رسالی را به واسطه فرشته وحی و در عالم واقع دریافت می‌نموده‌اند. سندی معتقد است:

اگر رویای انبیا قبل از نبوت از مقدمات وحی بوده، پس لازمه آن این است که تنها رویای انبیا وحی است نه دیگران. چگونه این رویا به عنوان وحی قبل از نبوت محسوب می‌شود؟ باید گفت که رویای صالح به طور مطلق از اقسام وحی است. اگر صاحب رویا برای نبوت برگزیده شده، همان طور که پیامبر (ص) فرمود: آن جزئی از اجزای نبوت است. پس رویایش از تمهیدات نبوت و وحی صریح به وی است (سندی، بی تا، ۵/۱).

کشمیری هندی نیز در تبیین «بَدْءُ الْوَحْيِ» بر این اعتقاد است که «بَدْءُ الْوَحْيِ» به معنای ظاهر شدن یا «چگونگی آغاز نزول» است:

در بیان این که مراد از آغاز وحی چیست دو نظر وجود دارد: اول «بَدْءُ الْوَحْيِ» مانند «بَدْءُ الْأَذَانِ» و «بَدْءُ الْحَيْضِ» و این آغاز ظهور وحی است، چون اگر می‌گفتند که وحی چگونه بود؟ مراد و مقصود روشن نبود و فقط از چگونگی و نحوه وحی سوال می‌شد، نه کیفیت شروع آن. ابتدا در این جا عام است خواه مکانی یا زمانی، و در این عبارت صفات وحی و سایر امور مربوط به وحی در آن گنجانده شده است.

دوم: سوال از جنس و ماهیت وحی است که چگونه چیزی از عدم وجود یافته است؟ (کشمیری هندی، ۱۴۲۶: ق. ۱/۸۰-۷۷۰).

### ۵.۳. رویا جزئی از نبوت

در بیان روایت «الرُّؤْيَا الْحَسَنَةُ مِنَ الرَّجُلِ الصَّالِحِ جُزْءٌ مِنْ سِتِّهِ وَأُزْبَعِينَ جُزْءٌ مِنَ النَّبُوَّةِ» نقل شده است: این که رویا جزء نبوت است در حق انبیا صادق است نه دیگران! همان طور که در بیداری به آنها وحی می شود در خواب نیز وحی می شود! منظور این است که رویا با نبوت مطابقت دارد، نه این که بخش باقی مانده از نبوت بوده باشد. بسیاری از اولیای الهی از امور غیبی مطلع می شدند و در عالم واقع دقیقاً همان را می دیدند. رویا برای همه مومنان است خلاف الهام که مختص به عده ای است. مبشرات برای بیشتر مردم تعبیر می شود، زیرا خواب‌هایی هست که هشدار دهنده است و حقیقت دارد و خداوند آنها را به مؤمن نشان می دهد و با او مهربانی می کند تا قبل از وقوع آن، خود را برای آنچه پیش می آید آماده کند (عینی، بی تا، ۱۳۴/۲۴).

#### ۶. تفکیک نبوت و رسالت بر اساس رویا

در روایات، رویا در تفکیک بین نبی، رسول و امام نقش کلیدی دارد و ائمه (ع) با تمسک به رویا تفاوت بین رسول و نبی را بیان کرده اند. در این بخش به برخی از این روایات اشاره می کنیم.

امام باقر (ع) فرمود: رسول کسی است که جبرئیل پیش او آید و او را ببیند و با او سخن گوید؛ اما نبی آن است که در خواب ببیند؛ مانند خواب دیدن ابراهیم (ع) و مانند آن. چه رسول خدا (ص) پیش از آمدن وحی از اسباب و علائم نبوت می دید. بعضی از انبیا نبوت و رسالت بر ایشان جمع شود و در خواب ببینند و روح القدس نزدشان آید و با او سخن گویند و بازگو نمایند بدون آن که در بیداری ببینند و اما محدث آن است که خبر داده شود صدا را شنود ولی نه مشاهده کند و نه در خواب ببیند (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ۱۸ / ۲۷۰).

از امام باقر و امام صادق -علیهما السلام- در مورد قول خداوند که می فرماید: «و ما ارسلنا من قبلك من رسول و لا نبی و لا محدث» (سوره حج / ۵۲): هیچ رسول و نبی ای را پیش از تو نفرستادیم... نقل شده است که:

رسول کسی است که فرشته بر او نمایان می شود و با او سخن گوید و نبی آن است که در خواب ببیند و گاهی نبوت و رسالت در یک شخص جمع شود و محدث کسی است که صدا را شنود و صورت را نبیند. سوال شد از کدام راه بدانند آنچه در خواب دیده حق است و از جانب فرشته است؟ فرمود توفیق یابد که آن را بفهمد (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ۱۸ / ۲۲۶ و اصول کافی، بی تا، ۲ / ۴۳ و ۴۴).

ملاصدرا در شرح اصول کافی انبیا و رسولان را با توجه به تفاوت درجات بی شمار و طبقات فراوانی که در منازل قرب به سوی پروردگار دارند به چهار طبقه تقسیم می کند:

... درجه دوم، پیامبری که در خواب الهام و نشانه‌ها و علوم را به او القا می شود صدا را می شنود، و می بیند. (ملاصدرا، ۱۳۸۷، ۵، ۵۹-۶۲).

زراره می گوید: از امام باقر (ع) درباره آیه: «وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا» (مریم / ۵۱): و رسول و پیامبری والا مقام بود، پرسیدم که رسول و نبی کیست. امام فرمودند:

نبی فرشته را در خواب می بیند و صدا می شنود؛ اما رسول صدا را می شنود و فرشته را در خواب و بیداری هر دو مشاهده می کند. عرض کردم امام در چه پایه‌ای است؟ فرمود: صدا را می شنود ولی نه در خواب ببیند و نه فرشته را مشاهده کند سپس قرائت کرد: «و ما ارسلنا من قبلك من رسول و لا نبی و لا محدث» (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ۲، ۴۳۲).

این سنخ روایات، که به نظر می‌رسد که روایات مهمی در این باب می‌توان تلقی گردد، حداقل از دو جهت می‌تواند راهگشا بوده باشد:

اول این که تفاوت نبی و رسول را بیان می‌کنند که رسول می‌تواند وحی را در رویا و بیداری دریافت کند و فرشته وحی را ببیند. پس دریافت وحی در هر دو حالت می‌تواند برای رسول رخ دهد. اما از هیچ کدام این مطلب دریافت نمی‌شود که پیامبر(ص) در رویا وحی ای دریافت کرده باشد.

نکته دوم این که نبی در خواب و بیداری وحی را دریافت می‌کند اما فقط در خواب می‌تواند فرشته واسطه وحی را ببیند. در قرآن به کرات اشاره نموده است که ملک واسطه وحی حضرت جبرئیل(ع) بوده است و روایات بسیاری دال بر این است که فرشته وحی در عالم بیداری وحی را به پیامبر(ص) می‌رساند.

## ۷. نتیجه پژوهش

با توجه به مباحث پیشین نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱. یکی از ویژگی‌های انبیا، رویای صادقه است و روایات، آن را جزئی از نبوت می‌دانند. همان طور که بین انبیا مراتبی است در دریافت وحی نیز مراتبی مطرح است. طبق روایات رویا یک جز از اجزای نبوت است و این جزء را نمی‌توان کل وحی به شمار آورد. عده‌ای طبق این روایات بر این باورند که ماهیت وحی و رویا یکی است، اما در حقیقت روایات موجود دلیلی مستند بر رویا انگاری وحی نیست.

۲. رویای صادقه از جمله پدیده‌های روحی است که در اثر اتصال نفس به عوامل معنا برای فرد رخ می‌دهد دستاورد آن گاهی نیازمند به تعبیر است و گاهی بی‌نیاز از تعبیر و برای ببیننده رویا واضح و روشن است. رویابین در اثر دیدن آن به آگاهی‌هایی نسبت به آینده دست می‌یابد.

۳. طبق روایات، رویای صادقه از ویژگی‌های نبی است نه رسول! رویای صادقه از تمهیدات انبیا است و انبیا در مرتبه رسالت صاحب وحی رسالی می‌شوند.

۴. اگر رویای صادقه جزئی از وحی تلقی شده به این دلیل است که وحی مراتب و اجزایی دارد و رویای صادقه در طیفی از این مراتب قرار گیرد. در واقع می‌توان به طور قطع گفت نسبت رویای صادقه با نبوت، نسبت جزء با کل است. خواه یک هفتادم، یک چهلم جزء و... .

۵. وحی انبیا محدود به وحی رسالی و قرآن نیست؛ بلکه مطالب دیگری که پیامبر برای مردم بیان کرده‌اند نیز حکم وحی دارد و برای مخاطبان آن حجیت دارد.

۶. دسته‌ای از روایات مذکور در این باب، ناظر به وحی‌های غیر رسالی انبیا از جمله پیامبر(ص) است. لذا از روایت «روای انبیا وحی است» نمی‌توان نتیجه گرفت که حتی یک آیه‌ی قرآن هم حتما در رویا نازل شده است؛ زیرا مصداق این وحی‌هایی که در رویا واقع شده است، وحی غیر رسالی است.

## ۸. منابع

- قرآن کریم ترجمه الهی قمشه‌ای

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.

۲. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۵۰ جلد، مؤسسه الرساله - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۶ ق.
۳. ابن سینا، حسین بن عبد الله، النفس من کتاب الشفاء الفن السادس مقاله الرابعه. تحقیق آیه الله حسن زاده آملی، قم- مکتب الاعلام الاسلام، ۱۳۷۵ ش.
۴. ابن سینا، حسین بن عبد الله، الإشارات والتنبيهات، بوستان کتاب قم (مركز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی)، قم - ایران، ۱۳۸۱ ش.
۵. ابن سینا، حسین بن عبد الله، المبدأ والمعاد، باهتمام عبدالله نورانی، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، شعبه تهران. ۱۳۶۳ ش.
۶. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه (لابن شهر آشوب)، قم، چاپ: اول، ۱۳۶۹ ق.
۷. ابن قاریاغدی، محمد حسین، البضاعه المزجاء (شرح کتاب الروضه من الکافی لابن قاریاغدی)، محقق / مصحح: احمدی جلفائی، حمید، ناشر: دار الحدیث، مکان چاپ: ایران؛ قم، ۱۴۲۹ ق - ۱۳۸۷ ش.
۸. ابن عبدالسلام، عبدالعزیز بن عبدالسلام، تفسیر العز بن عبد السلام، لبنان - بیروت، نشر دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون. ۱۴۲۹ ق.
۹. أبو محمد محمود بن أحمد بن موسی، الحنفی بدر الدین العینی، عمده القاری شرح صحیح البخاری، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت. بی تا.
۱۰. دالهی قمشه‌ای، مهدی، حکمت الهی عام و خاص، اسلامی، تهران - ایران، ۱۳۶۳ ش.
۱۱. امینی، ابراهیم، وحی در ادیان آسمانی، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، قم - ایران، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. انوری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، تهران، سخن. ۱۳۸۲ ش.
۱۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ۱۱ جلد، جمهوری مصر العربیه، وزاره الاوقاف، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیه، لجنه إحياء كتب السنه - مصر - قاهره، چاپ: ۲، ۱۴۱۰ ق.
۱۴. بروجردی، محمد ابراهیم، تفسیر جامع، ایران - تهران، کتابخانه صدر، چ ششم. ۱۳۶۶ ش.
۱۵. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح وهو سنن الترمذی، ۶ جلد، دار الحدیث - مصر - قاهره، چاپ: ۱، ۱۴۱۹ ق.
۱۶. تهنوی، محمد اعلی بن علی، موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت - لبنان، ۱۹۹۶ م.
۱۷. حجازی، محمد محمود، التفسیر الواضح، ۳ جلد، دار الجیل - لبنان - بیروت، چ دهم. ۱۴۱۳ ق.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ۱ جلد، دار الشامیه - لبنان - بیروت، چاپ ۱، ۱۴۱۲ ق.
۱۹. رضا، محمد رشید، الوحي المحمدي، دار الکتب العلمیه، بیروت - لبنان، ۱۴۲۶ ق.
۲۰. رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، ۲۴ جلد، قم، پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ ش.
۲۱. زاد هوش، میثم و همکاران، "امتیاز وحی تنزیلی (مانزل) از وحی تبیینی (مانزل) و نقش آن در عدم تحریف قرآن

- (مبتنی بر آیات قرآن و روایات امامیه)، "در مجله قرآن، فرهنگ و تمدن.
۲۲. سجادی، جعفر، فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، امیر کبیر، تهران - ایران، ۱۳۷۵ ش.
۲۳. السندي المدني، محمد بن عبد الهادي، حاشیه السندي على صحيح البخاري، الناشر دار الفكر - نرم افزار شامله - بی تا.
۲۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ۶ جلد، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۴ ق.
۲۵. صادقی تهرانی، محمد، ترجمان فرقان، تفسیر مختصر قرآن کریم، ۵ جلد، شکرانه، ۱۳۸۸ ش.
۲۶. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم موسوی، محمد باقر، ایران - قم، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۵، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۲۷. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات - لبنان - بیروت، چاپ: ۲، ۱۳۹۰ ق.
۲۸. طباطبایی، محمد حسین، قرآن در اسلام - طبع قدیم -، دار الکتب الإسلامیه، تهران - ایران، ۱۳۵۳ ش.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی - ط القدیمه -، تهران، ناشر: اسلامیه ۱۳۹۰ ق.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ۲۷ جلد، فراهانی - ایران - تهران، بی تا.
۳۱. طبرسی، فضل، بن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مترجمان: عبدالحمیدی، وهمکاران، ایران - مشهد مقدس ناشر: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی. ۱۳۷۵ ش.
۳۲. فارابی، ابونصر محمد بن محمد، آراء اهل المدینة الفاضله، تحقیق البیر نصری نادر، بیروت - دارالمشرق، ۱۹۸۶ م.
۳۳. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمه) - ایران، قم، ۱۳۷۵ ش.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی - اصفهان، چاپ: اول، ۱۴۰۶ ق.
۳۴. قاسمی، جمال الادی، تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل، ۹ جلد، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، ۱۴۱۸ ق.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیه) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (ط - دار الحدیث)، محقق / مصحح: دار الحدیث، ناشر: دار الحدیث، قم، ۱۴۲۹ ق.
۳۷. کاشفی، حسین بن علی، تفسیر حسینی (موهب علیه)، ۱ جلد، کتابفروشی نور - ایران - سراوان، بی تا، مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی - الأصول و الروضه (للمولی صالح المازندرانی) - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۲ ق.
۳۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت)، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت، دوم، ۱۴۰۳ ق.
۳۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول - تهران، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، مجلدات ۱۱۰ (اما قابل ملاحظه ۱-۷۰) لبنان - بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۴۰. محمد انور شاه بن معظم شاه کشمیری الهندی، فیض الباری علی صحیح البخاری، (أمالی). الناشر: دار الکتب

- العلمیه بیروت - لبنان الطبعة: الأولى، ۱۴۲۶ هـ - ۲۰۰۵ م.
۴۱. محمد صالح بن احمد، شرح الکافی-الأصول و الروضه (للمولی صالح المازندرانی) - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۲ ق.
۴۲. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ۵ جلد، دار الحدیث - مصر - قاهره، چاپ: ۱، ۱۴۱۲ ق.
۴۳. معرفت، محمد هادی، التمهید فی القرآن، ایران - قم، نشر حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، چ سوم، ۱۴۱۰ ق.

